

# عوامل پیشرفت یا وقفه تحقیق

## در جهان سوم از دیدگاه جامعه‌شناسی

لرزم استقلال کامل سیاسی و اتکاء بذات ملی ، هشیاری پیدا می‌شود و از طرف دیگر توجه به‌ضرورت تازه کردن ساخت‌ها و نهادهای کهنه و روابط و مناسبات دیرینه موجب گرایش به‌معرفت سیاسی است . ناگفته نماند که معرفت سیاسی ذاتاً تمایل عملی دارد و جوامعی که دست درکار تغییر و تحول گشاده‌اند طبعاً به آن چه عمل‌گرای باشد ذوق و شوق نشان می‌دهند و حال آنکه معرفت علمی مقتضای دیگر دارد و لازمه‌اش ممارست نظری و بیطرفی و خویشتن‌داری در برابر گرایش تند عملی است و به زبان دیگر معرفت علمی ، عینی‌ترین نوع معرفت و از « تعهد و التزام » بیش از همه بدور است .

جامعه‌شناس بنام معاصر ژرژ گوروچ معتقد است که معرفت علمی از جهت سازمان ، دموکراتیک‌ترین نوع معرفت است . يك معنای دموکراتیک آن است که معرفت علمی محصول کار دستجمعی است و بدیهی است که هر جا خودکامگی و عدم اعتماد بدیگری و در نتیجه فقدان تمایل به مشارکت و همکاری غالب است پیشرفت این‌گونه معرفت نیز بدشواری صورت می‌گیرد .

معنای دیگر دموکراتیک ، امکان تفاهم و توافق نظر است و هرگاه

این مطلب امروز در نزد صاحب‌نظران روشن شده است که عامل اصلی رشد و توسعه ، پیشرفت علمی و فنی است و کلید این پیشرفت ، تحقیق و پژوهش است و جامعه‌ای که به تحقیق و پژوهش دست ندارد از رشد و توسعه اصیل و درونزای و مداوم برخوردار نیست . اما هم‌چنان که علم از تحقیق نشئت می‌پذیرد تحقیق نیز چون میوه از درخت علم برمی‌آید و بعبارت دیگر باید نخست معلوماتی علمی موجود باشد و آن‌گاه تحقیق و تخصص آن معلومات را بکار گیرد و از این رهگذر به‌شناخت مجهولات و کشف اسرار و حل غوامض توفیق یابد .

وقتی سخن از تحقیق می‌رود مراد ما کوشش در بدست آوردن شناخت‌های تازه علمی و فنی است و روشن است که همه جامعه‌ها معرفت علمی و فنی را بیک اندازه مشتاق و پذیرا نیستند چنان‌که در جوامع سنتی معمولاً شعور عام و معرفت سطحی حکومت می‌کند و احیاناً معرفت مذهبی و معرفت اجتماعی غلبه دارد و جنب و جوشی در راه شناسائی علمی مشاهده نمی‌شود .

در سرزمین‌های جهان سوم که پای در رکاب توسعه و تجدد آورده‌اند معمولاً معرفت سیاسی رونقی مخصوص حاصل می‌کند زیرا از يك طرف به



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جلم مع علوم انسانی

تصدیق کنیم که میان کیفیت نظام سیاسی و نوع معرفت رائج، قسمتی تجانس و هماهنگی کلی وجود دارد باید اذعان نماییم که رژیم‌های سیاسی دموکراتیک بیشتر مساعد رشد و نموای معرفت علمی هستند تا آن رژیم‌ها که بر قدرت مافوق و سندنیت تکیه زده‌اند.

بر آن چه گفتیم این نکته مهم را اضافه کنیم که تحقیق مستلزم روحیه کنجکاوی، نقاد و سرکش در برابر اصول جزئی پیش‌ساخته است و پیوسته واری و بازجویی را اقتضا می‌کند از این رو لازم است که روحیه نقد یعنی نقد سازنده و روشنگر در جامعه‌ای پذیرفته باشد تا تحقیق بر سرزمین آن باسانی برآید و بزمینانی شکفته شود.

آنچه تا بدین‌جا آمد همه از دیدگاه کلی بود اما هرگاه از نظری دقیقتر بنگریم باین نتیجه می‌رسیم که رشد تحقیق به‌گونه‌ای عامل مربوط و منوط است نخت شرایط عمومی محیط اجتماعی - دوم خصوصیات تحقیق کنندگان و سوم احوال و مشخصات سفارش دهندگان یا کارفرمایان تحقیق.

اما شرایط عمومی محیط که موجب رونق بازار تحقیق می‌شود متعدد است اولاً باید در یک جامعه احساسی عمومی بلزوم دانستن، دگرگون کردن و تغییر یافتن شایع باشد و بعبارت دیگر جامعه اسیر دانش‌های متجربیه‌بین نباشد و خود را از بند سنت‌ها رها کند. ثانیاً باید آن جامعه از عالم و محقق چه از جهت مادی و چه از جنبه معنوی حمایت و پشتیبانی کند. ثالثاً جامعه بالنسبه آرام باشد امانه آن اندازه که همت‌ها را ست کند و التهاب نوجویی و کمال‌طلبی را فرو نشاند.

اما خصوصیات محققان، محقق در آن‌گونه نظام آموزشی پرورده می‌شود که مشوق تفکر مستقل باشد. علاوه بر این، معرفت علمی چنان‌که دانشندان باز نموده‌اند معرفتی است ارادی و عمدی و ساخته و پرداخته و چون چنین است آگاهی به روش یا متدولوژی برای کسب معرفت علمی ضرورت خاص دارد از این رو باید محقق روش علمی را بداند تا راه تحقیق را به چالاک‌ی یویا شود.

اشاره کردیم که تحقیق را می‌شود از منظر کارفرما نیز طرح کرد و از این بابت، شاید ذکر تجربه کشورهای در حال توسعه مفید باشد. در ممالک در حال رشد معمولاً کشاورزی بخش مهم اقتصادی است و چون کشاورزی حالت سنتی دارد ناپذیرای تغییر و تحول است. در نتیجه پروری تحقیق و نوجویی بسته می‌نماید. اما صنایع نیز در این سرزمین‌ها به تحقیق و تتبع اشتیاقی چندان نشان نمی‌دهند زیرا از یک طرف منشأ اجتماعی سرمایه‌گذاران صنعتی که غالباً از تجارت و ملک‌داری و دستورات کاری به‌صنعت روی آورده‌اند به تحقیق و تجسس و نوآوری مساعد نیست و از طرف دیگر حمایت افراطی دولت از صنایع نوپا، آنها را از سرمایه‌گذاری در پژوهش‌های علمی و فنی مستغنی می‌کند. این صنایع غالباً بر واردات دانش و پژوهش خارجی اتکاء دارند و چون در شرایط صحیح رقابت بین‌المللی قرار نگرفته‌اند، نیازی درست به تحقیق مستقل احساس نمی‌کنند.

از بخش‌های اقتصادی، فقط بخش خدمات می‌ماند که در آن تاحدی به تحقیق توجه می‌شود و معمولاً دولت سازمان‌های وابسته چون دانشگاه‌ها به تحقیق رغبتی دارند و بسیاری از تصمیمات خود را بر نتایج این تحقیقات استوار می‌کنند. اما نظر دولت معمولاً به تحقیقات عملی یا تطبیقی بیشتر معطوف است و از این رو تحقیقات نظری یا اساسی بهمان اندازه رشد و توسعه حاصل نمی‌کند و تحقیقاتی نیز که در زمینه‌های سیاسی و اجتماعی صورت می‌گیرد بضرورت با پاره‌ای ملاحظات مقرون می‌شود. در بسیاری از سرزمین‌های جهان، دولت جنبه عرفی دارد و خود این خصوصیت موجب آن می‌شود که تحقیقات فلسفی، عرفانی و مذهبی که در جوامع سنتی رواج داشت رونقی پیدا نکنند.

در سرزمین‌های کم‌رشد عالم غالباً بخش خصوصی آماده سرمایه‌گذاری در تحقیق نیست. هنگامی که رشد و توسعه دست می‌دهد گسترش طبقات متوسط و ظهور و اعتلاء بورژوازی زمینه را برای اشاعه معرفت عقلی یا راسیونالیسم مهیا می‌کند و تجسس و تحقیق مطمح نظر کارگردانان جدید اقتصادی می‌شود. تجربه امریکا و دیگر سرزمین‌های غرب گویای آن است

که «آنتروپورورها» نقشی عمده در ترویج و پیشرفت بررسی و تحقیق ایفا کرده‌اند. \*

تاکنون از شرایط اجتماعی رشد و نموای معرفت علمی و تحقیق سخن رفت ولی ناگفته نباید نهاد که تحقیق به شرایط اخلاقی خاصی نیز در جامعه و نزد افراد نیاز دارد و بعبارت دیگر غلبه بعضی ارزش‌ها بر نظام فرهنگی جامعه ضرور است و از آن جمله است عشق به حقیقت بیش از توجه به فایده و مصلحت - خوبستن‌داری در برابر وسوسه شهرت‌های آسان و موفقیت‌های زودرس - آمادگی برای شنیدن و پذیرفتن نقد - مهیا بودن برای کار با دیگران و باجمع و خصائصی از این قبیل که تحقق کمتر از شرایط دیگر اهمیت ندارد. در هر جامعه قانون می‌تواند حافظ حقوق محققان، مؤلفان، مخترعان و مکتشفان باشد اما جامعه باید اخلاقاً نیز از سرق و انتحال افکار و آثار دیگران پرهیز داشته باشد و محصول اندیشه و اهتمام دیگران را ارج بگذارد و پاس بدارد.

\*\*\*

از آن‌چه گفتیم نباید این استنباط حاصل آید که اگر طبیعت جامعه با تحقیق علمی ناسازگار باشد کاری نمی‌توان کرد. حقیقت این است که اراده انسان و نقشه‌ریزی می‌تواند تصرفاتی در محیط وارد کند و جامعه را بارشد و نموای تحقیق مساعد سازد. تجربه کشور های سوسیالیست از این جهت پس آموزنده است و حتی در ممالک سرمایه‌داری هم بعضی مقررات موضوعه عامل پیشرفت تحقیق بوده است چنانکه در امریکا معافیت‌های مالیاتی موجب آن شد که موسسات صاحب درآمدهای سرشار به کمک دستگاه‌های تحقیقی و دانشگاه‌ها روی آور شوند و ایجاد شالوده‌های انسانی در سازمان‌های آموزشی نیز خود از عوامل اصلی رونق تحقیقات علمی بوده است.

سابقاً گمان می‌رفت که میان «دانش و خواسته» توافقی ذاتی وجود دارد و بقول شاعر:

«هر کرا دانش است خواسته نیست و آن کرا خواسته است دانش کم»  
فرانسویان قرن نوزدهم بر آن بودند که «علم هرگز شکم عالم را پر نمی‌کند»، اما حقیقت این است که در جهان معاصر، علم بدون وسائل کافی و کامل توسعه نمی‌یابد و اگر کتابخانه - آزمایشگاه - ماشین و ابزار وسایط و اعتبار باندازه در دسترس نباشد پیشرفت علم به‌صورت بسیار صورت می‌پذیرد. از این رو باید زیربنای مالی و مادی تحقیق را نیز آماده و محکم کرد تا بررسی و پژوهش به‌سهولت بیابد و اوج گیرد.

\*\*\*

در ایران که هنوز برخی از خصوصیات کشورهای جهان سوم را حفظ کرده است عواملی چند هم‌اکنون پدیدار شده که محیط اجتماعی را پیش از پیش برای شکوفایی تحقیق مهیا می‌کند. ترکیب اجتماعی ایران دگرگون می‌شود و طبقات متوسط و بورژوازی از یک سوی و گروه‌های روشنگر و کسانی که بکار علم می‌پردازند از سوی دیگر منزلتی بهتر و باورز حاصل می‌کنند. افزایش سریع عدد تحصیلکردگان که بعضاً از مراکز مهم علمی و پژوهشی جهان بیرون آمده‌اند زمینه را برای کار فکری هموارتر می‌کند. از جانب دیگر، مسائل اقتصادی و اجتماعی ایران، با تطور و پیشرفت کشور، روی در پیچیدگی دارد و حل آنها تأمل و مطالعه و تحقیق دقیق را ایجاب می‌کند. اعتبارات دولتی که به‌امر تحقیق اختصاص دارد روبه‌فزون می‌رود و مراکز آموزش عالی اهتمامی بیشتر را در این عرصه به‌کار می‌آورند.

اما روشن است که بموازات این تحولات برونی، تغییراتی هم در جهان‌بینی و ارزش‌شناسی ایرانی ضرور است تا معرفت علمی و تحقیق و تتبع را در موضوع شناسایی‌ها و تکاپوگری‌های خود مقام والا تر دهد و از جهت روانی و اخلاقی نیز این کوشش فرهنگی آماده‌تر گردد. \*\*\*

\* حتی مارکس هم باین نتیجه رسیده‌است که علوم نظری، خصوصاً محصول بورژوازی پیروزمند و نظام سرمایه‌داری شکوفنده بوده‌است.  
\*\* این مقاله، خلاصه سخنانی است که در اولین کنفرانس مسائل تحقیقات علمی - کنفرانسی که با همت وزارت علوم و آموزش عالی دایر شد - ایراد شده است.